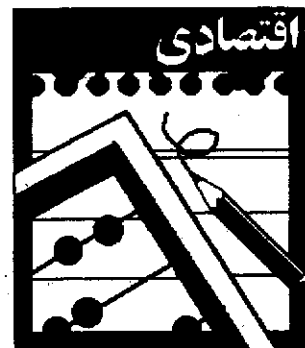


# مهاجرت و فرار مغزها؛ سکوت و بی حرکتی تاکی؟



- میل بازگشت به وطن و زندگی و کار در آن بر روان بسیاری از این تحصیلکردگان و کارآفرینان حاکم است، اما انگیزه و شرایطی فراهم نیست تا این میل را به اشتیاق، و سپس به حرکت تبدیل کند.

- فضای تبلیغاتی ناهنجاری بر جوامع ایرانی ساکن در کشورهای خارج حاکمیت دارد.

- نمایندگان فرهنگی و سیاسی ایران در خارج، از ارائه کمترین خدمت و بدل حداقل همت برای زدودن باورهای نادرست از ذهن ایرانیان مهاجر عاجزند.

- حداقل شرایط مادی و معنوی که انگیزه مهاجرت به خارج را از بین ببرد، و مهاجرین با تردید دست به گریبان مقیم خارج را قانع کند که به میان هم میهن خویش بازگردند هنوز فراهم نیست.

- برنامه‌ای مدّون و منسجم برای بررسی علل واقعی مهاجرت و مقابله با آن در هیچ یک از دستگاهها و سازمانهای مسئول وجود ندارد و معلوم هم نیست چه مقامی و یا کدام سازمانی باید در این مورد احساس مسئولیت کند؟

- و... موارد متعدد دیگر...

در این شماره، و بنا به توصیه گروهی از خوانندگان، گزارش اصلی بخش اقتصادی را به طرح جنبه‌هایی چند در مورد مقوله فرار مغزها و مسأله مهاجرت اختصاص داده‌ایم. در سرمقاله و بخش «دیدگاه‌های این شماره مقالات مورد بحث از دیدگاه داخلی مورد بررسی قرار گرفته است، و یک گزارش آماری از آمریکا و نیز گزارشی تحلیلی که از پاریس دریافت کرده‌ایم بخشی از حقایقی را که مربوط به مهاجرین ایرانی در دو قاره مهم جهان است به ما نشان می‌دهد.

توصیه می‌کنیم خوانندگانی که احتمالاً مبحث شماره قبل ما را در این زمینه مطالعه نکرده‌اند، حتماً به آن رجوع کنند تا دریابند مراد ما از لزوم برنامه‌ریزی و کوشش برای جلب و جذب ایرانیان مهاجر کدام گروه از ایرانیان مهاجر را شامل می‌شود.

ذکر این نکته را ضروری می‌دانیم که با وجود تنوع مطالب طرح شده در این شماره راجع به موضوع مورد بحث، باز هم نباید فراموش کنیم دامنه این موضوع بسیار گسترده‌تر از آن است که تنها از سوی یک نشریه طرح و پی‌گیری شود؛ لذا امیدواریم دست‌درکاران رسانه‌های گروهی کشور و اندیشمندان و صاحبزنان نیز با توجه به اهمیت این موضوع در حیات ملی ما، در گسترش و ادامه مباحث مربوط به آن، نقش و سهم بایسته خویش را ایفا کنند.

سیاسی- اجتماعی و اقتصادی که در سالهای اخیر بر فضای مدیریتی کشور حاکم بوده مجال عرضه نیافته‌اند، و لاجرم بررسی نشده‌اند و مبهم و یا ناشناخته مانده‌اند.

اما از طرفی، مسکوت ماندن این پدیده دلیل بر بی‌اهمیت انگاشته شدن آن نیست، زیرا به محض آنکه اشاره‌ای اتفاقی در همین ماهنامه به بحران فرار مغزها و موضوع مهاجرت و مهاجرین شد، با انبوهی از اظهار نظرهای مکتوب و شفاهی مورد استقبال قرار گرفت.

در شماره قبل ماهنامه، مبحثی را به این موضوع اختصاص دادیم و گرچه امیدمان فقط جلب توجه مقامات مسئول به ابعاد نگران‌کننده مهاجرت نیروهای انسانی متخصص و کارآمد بود، اما با شگفتی دریافتیم نه فقط در بدنه‌ای از مدیران مسئول کشور نسبت به این موضوع حساسیت‌های مثبتی وجود دارد، بلکه هم ایرانیان مقیم داخل و هم عده‌ای از هموطنان جلای وطن کرده‌مان با علاقه‌ای امیدوارکننده خواهان طرح جدی و همه‌جانبه این موضوع، و پی‌گیری آن هستند.

در فاصله انتشار شماره پیشین و همین شماره‌ای که پیش روی خوانندگان قرار دارد، تحریریه ماهنامه پاسخگو و دریافت‌کننده تلفن‌ها و نامه‌های بسیاری، هم از داخل و هم از خارج کشور بوده است. در این میان تلفن‌ها، نامه‌ها و مقالات ارسالی از سوی گروهی از ایرانیان مقیم خارج نمایاننده این واقعیت است که بسیاری از این جلای وطن‌کرده‌ها اینک به آن حد از بینش و تجربه رسیده‌اند که با تمام وجود درک کنند: هیچ جای بهتر از وطن خود آدمی نیست.

تعدادی از نامه‌ها و بسیاری از تلفن‌ها بیشتر از بار عاطفی و احساسی سرشار بود تا تحلیلی منطقی درباره موضوع مورد بحث؛ اما نامه‌ها و تلفن‌هایی هم داشتیم که مضامین آنها به واقعیتی در رابطه با ریشه‌ها و علل این مهاجرت‌ها و عواقب مستقیم و غیرمستقیم آن معطوف است.

در این میان یک گزارش رسیده از ایالات متحده آمریکا، و گزارش دیگری که به وسیله یک استاد ایرانی مقیم پاریس، و شاغل در کار تدریس در دانشگاه‌های فرانسه تهیه شده است می‌تواند شاهدهی باشد بر این ادعاها که

- حاصل کار و دانش گروهی از نخبه‌ترین تحصیلکردگان و کارآفرینان کشور ما نصیب کشورهای می‌شود که دیناری برای پروراندن آنها سرمایه‌گذاری نکرده‌اند.

چندی پیش آقای ماشمی رفسنجانی، رئیس جمهور کشورمان، در یکی از پیام‌های خود ایرانیان مقیم خارج را عموماً، و تحصیلکردگان را خصوصاً، به بازگشت به کشور فراخواند و یادآور شد که به میهن خود مدیون هستند و بهترین فرصت برای ادای این دین، دوران سازندگی پس از جنگ است.

گمان می‌رفت این پیام سرآغاز حرکتی جدی و سازنده برای هموار کردن مسیر ایرانیانی باشد که مشتاق بازگشت به زاد بوم خویشند اما تردید، ابهام و دودلی مانع‌کننده شدن پای ایشان از خاک بیگانه است. اما چنین نشد و سازمان‌های مسئول و مرتبط با این امر، جز اجرای چند حرکت و برنامه مقطعی کار دیگری نکردند.

از آن زمان تا کنون، علاوه بر کوتاهی در مورد تشویق ایرانیان مقیم خارج به بازگشت به ایران، متأسفانه شاهد روند رو به تشدید مهاجرت ایرانیان متخصص، کارآفرین و فرهیخته نیز بوده‌ایم و هستیم.

اطلاعاتی که در اختیار است نشان می‌دهد بسیاری از قید و بندها و دلایلی که موجب می‌شد پای ایرانیان مقیم خارج برای بازگشت به کشور سست شود از بین رفته است. اما پس چرا نه فقط حرکتی قابل اعتنا در این مورد مشاهده نمی‌شود، بلکه افراد جدیدی به خیل عظیم ایرانیان ساکن در کشورهای پنج‌قاره می‌پیوندند؟ می‌توان در این مورد به چند دلیل استناد کرد و هماتها را عوامل میل به مهاجرت و ماندن در خارج دانست. اما اگر قرار باشد به این پدیده با دیدی واقع‌بینانه، و همه‌جانبه، بنگریم لاجرم باید بپذیریم تعدّد دلایل و عوامل مهاجرت بسیار فراوان، و به همان اندازه متفاوت و متنوّع است.

اینها دلایل و عواملی هستند که در هیاهوی مجادلات مربوط به برنامه‌های توسعه، و در مباحث